

ماجرها

پژوهش‌های فقهی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال دوم، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۷

مدت عدل در ازدواج موقت^۱

سید موسی شبیری زنجان‌ی^۲

چکیده

یکی از فروع مهم در کتاب نکاح، مقدار عدل زن ذات‌الاقراء در ازدواج موقت است. با توجه به اینکه خاستگاه اختلاف نظرها، اختلاف روایات و اختلاف در کیفیت جمع میان آنهاست، لازم است روایات بیان و محور بررسی قرار گیرد. در این مسأله هفت دسته از روایات وجود دارد که کمترین مدت مطرح شده در این روایات، یک حیض است. در روایات دیگر، یک حیض و نصف، یک حیض و یک طهر، دو حیض، دو طهر، چهار و پنج روز و چهار و پنج شب ذکر شده است. به نظر می‌رسد جمع عرفی بین این روایات، حمل آنها بر اختلاف مراتب فضیلت است، به این بیان که عدل نگه داشتن به اندازه یک حیض واجب است و افزون بر یک حیض از باب افضل مراتب واجب است و عدم وجوب آن توسط شارع مقدس از باب مصلحت در ترخیص یا مفسده داشتن الزام است.

واژگان کلیدی: ازدواج موقت، عدل، ذات‌الاقراء.

ماجرها
پژوهش‌های فقهی

مدت عدل در ازدواج موقت

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۱/۲۰
 ۲. تاریخ تایید مقاله: ۹۷/۱۱/۲۵
- این مقاله زیر نظر مرکز فقهی امام محمدباقر (ع) از دروس خارج فقه آیت‌الله شبیری زنجان‌ی (رحمته‌الله‌علیه) به همت آقای حسین سنایی استخراج و تنظیم شده است.
- HOOSIN_SOLJE@YAHOO.COM

مقدمه

خداوند متعال به منظور مراعات حکمت‌هایی مانند درنیامیختن میاه و حفظ احترام مرد، به لزوم عده پس از جدایی همسران از همدیگر حکم کرده است؛ ولی برای هر یک از انواع جدایی زن از مرد، مدت‌زمان خاصی را برای عده جعل نموده است، برای نمونه عده وفات با عده طلاق متفاوت است و عده در طلاق ازدواج دائم با عده در عقد موقت تفاوت دارد. آنچه معرکه‌آراست و در این مقاله بررسی می‌شود، مدت زمان عده عقد ازدواج موقت زنی است که در سن حیض است و حیض می‌بیند و اصطلاحاً به او «ذات‌الاقراء» می‌گویند.

توجه به آثار فقهی و اجتماعی این مسأله بیانگر اهمیت آن است، از جمله آثار اجتماعی این مسأله این است که هر مقدار مدت عده کوتاه باشد، امر ازدواج موقت تسهیل می‌شود و تأثیر بسزایی در کاهش فحشا در جامعه دارد و از جمله آثار فقهی مترتب بر ازدواج در عده می‌توان به جریان احکام زنا و حرام‌زاده بودن فرزند متولدشده از این ازدواج اشاره کرد.

بحث مدت عده ازدواج موقت قدمت دیرینه دارد و بر اساس روایات وارده، مسأله‌ای فراگیر در روزگار معصومان بوده است و فقیهان وارسته و حافظان شریعت به عنوان یکی از فروع مسأله ازدواج موقت به بررسی آن در کتاب نکاح پرداخته‌اند. کافی، مقنع، مقنعه و شرائع از جمله کتاب‌هایی است که به این مسأله پرداخته است.^۱

مفهوم‌شناسی

پیش از بررسی استدلالی مسأله لازم است مفردات و اصطلاحات به‌کاررفته در متن مقاله توضیح داده شود. عده در لغت به معنای تعدادی چیز یا شخص است، مثلاً گفته می‌شود: «عنده عدّة من الکتب»^۲؛ ولی متفاهم عرف متشرعه از معنای عده، مدت‌زمان معینی است که زن پس از جدایی از شوهر یا کسی که به‌اشتباه با وی آمیزش کرده، باید صبر کند و تا پایان آن مدت ازدواج نکند. منشأ جدایی می‌تواند یکی از این امور باشد: طلاق، فسخ یا انفساخ

سازمان پژوهش‌های فقهی

شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۷

۱. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۴۵۸؛ شیخ صدوق، مقنع، ص ۳۴۱؛ شیخ مفید، مقنعه، ص ۵۳۶؛ محقق حلی، شرائع‌الاسلام، ج ۲، ص ۲۵۱.
۲. فراهیدی، العین، ج ۱، ص ۷۹.

ازدواج، فوت شوهر، اتمام یا بذل مدت در ازدواج موقت و زوال اشتباه در آمیزش به شبهه. مدت عده با توجه به سبب آن، یعنی فوت شوهر یا طلاق نوع ازدواج، یعنی دائم یا موقت، عادت ماهانه دیدن و ندیدن و باردار بودن و نبودن متفاوت است. زنی که در سن حیض است و حیض می‌بیند را ذات‌الاقراء^۱ و زنی که در سن حیض است و حیض نمی‌بیند را ذات‌الشهور گویند.^۲

دیدگاه‌ها

درباره مدت عده در ازدواج موقت ذات‌الاقراء دیدگاه‌های بسیاری وجود دارد:

۱. اعتبار دو حیض: شیخ طوسی این دیدگاه را برگزیده است.^۳ درباره اینکه مراد از این دیدگاه چیست، چند احتمال وجود دارد؛ زیرا مشخص نیست دو حیض کامل است یا اگر یکی از دو حیض یا هر دو ناقص باشد، کافی است.

۲. اعتبار یک حیض و نصف: شیخ صدوق می‌فرماید: «اگر مدت ازدواج موقت تمام شود و مرد زنده باشد، زن باید یک حیض و نصف عده نگه دارد».^۴

۳. اعتبار یک حیض: از میان قدما کسانی چون زراره^۵ - که شاید افقه فقهای دسته اول اصحاب اجماع است - و ابن‌ابی‌عقیل - که نجاشی در حق او می‌گوید: فروش کتب فقهی او زیاد بوده است -^۶ این نظریه را برگزیده‌اند. کلینی که فقیه و محدث است، تنها روایت یک حیض را نقل کرده^۷ و از متأخران، صاحب مدارک، صاحب کفایه، مجلسی دوم^۸ بدان قائل شده‌اند. بنابراین این نظریه آن‌گونه که محقق در شرایع ادعا می‌کند، دیدگاهی متروک نیست.^۹

۴. اعتبار دو طهر: شیخ مفید، ابن‌زهره، ابن‌ادریس و علامه حلی به اعتبار دو طهر

۱. جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۳، ص ۶۹۹.

۲. محقق حلی، شرایع‌الاسلام، ج ۳، ص ۲۴.

۳. طوسی، نهاییه، ص ۵۳۶.

۴. شیخ صدوق، مقنع، ص ۳۴۱.

۵. با توجه به روایت کلینی در باب عده متعه، نظر زراره فهمیده می‌شود.

۶. ابن‌ابی‌عقیل، حیاة ابن‌ابی‌عقیل و فقهه، ص ۴۸۳؛ نجاشی، رجال نجاشی، ص ۴۸، رقم ۱۰۰.

۷. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۴۵۸.

۸. عاملی، نهاییه‌المرام، ج ۱، ص ۲۵۸؛ محقق سبزواری، کفایة الأحکام، ج ۲، ص ۱۷۴؛ مجلسی دوم،

مرآة‌العقول، ج ۲۰، ص ۲۴۲.

۹. محقق حلی، شرایع‌الاسلام، ج ۲، ص ۲۵۱.

قائل اند.^۱ اختلافات دیدگاه اول در این دیدگاه نیز جاری است.

۵. اعتبار چهل و پنج روز یا شب یا شبانه‌روز: این دیدگاه خود محل بحث است که این چهل و پنج به حسب روز است یا شب یا شبانه‌روز یا اینکه یک ماه و نیم است که گاهی چهل و چهار روز می‌شود.

مجلسی اول این دیدگاه را به جماعتی نسبت داده است.^۲ فاضل آبی، شیخ صدوق و ابوالصلاح حلبی را صاحب این دیدگاه معرفی می‌کند.^۳ با مراجعه به کتاب ابوالصلاح روشن می‌شود که این نسبت صحیح نیست و او دو قرء را لازم دانسته است؛^۴ ولی ابن بابویه عبارتی دارد که ممکن است بر اساس آن، نسبت دادن این دیدگاه به او درست باشد.^۵ همچنین می‌توان علی بن ابراهیم و صاحب فقه رضوی را از جمله قائلان به این نظریه نام برد.^۶

بررسی ادله

از آنجایی که خاستگاه اختلاف نظر در این مسأله، اختلاف روایات و اختلاف در کیفیت جمع بین آنهاست، به بررسی روایات و کیفیت جمع بین آنها پرداخته می‌شود. در این مسأله چند دسته از روایات وجود دارد:

دسته اول: روایات اعتبار دو حیض

روایات اعتبار دو حیض، خود سه گروه است:

۱. روایات عدّه کنیز به ضمیمه صحیح زراره: شیخ طوسی در نهاییه^۷ عدّه متعه را «دو

۱. شیخ مفید، مقنعه، ص ۵۳۶؛ ابن زهره، غنیة النزوع، ص ۳۵۹؛ ابن ادریس حلی، سرائر، ج ۲، ص ۶۲۵؛ علامه حلی، مختلف، ج ۷، ص ۲۴۱.
۲. مجلسی اول، روضة المتقین، ج ۸، ص ۵۰۱.
۳. فاضل آبی، کشف الرموز، ج ۲، ص ۱۶۰.
۴. ابوالصلاح حلبی، الکافی فی الفقه، ص ۳۱۲.
۵. شیخ صدوق، هدایة، ص ۲۶۵.
۶. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۷۹؛ منسوب به امام رضا علیه السلام، فقه الرضا علیه السلام، ص ۳۲۹.
۷. طوسی، نهاییه، ص ۵۳۶.

حیض» دانسته؛ ولی به علت آن اشاره نکرده است. علامه^۱ و فقهای پس از او تا زمان صاحب مدارک برای اثبات مختار شیخ طوسی به روایت محمدبن فضیل به ضمیمه صحیح زراره استدلال کرده‌اند، با این بیان که روایت محمدبن فضیل عده کنیز را دو حیض بیان کرده و صحیح زراره نیز عده متعه را مانند کنیز دانسته است، در نتیجه عده متعه دو حیض است. صاحب ریاض نیز از این نظریه دفاع می‌کند.^۲

در این استدلال روایت محمدبن فضیل ملزوم، یعنی اعتبار دو حیض در عده کنیز را اثبات می‌کند و صحیح زراره ملازمه را اثبات می‌کند که هر حکمی کنیز دارد، برای متعه نیز جاری است. نکته قابل توجه این است که از میان روایاتی که عده کنیز را دو حیض دانسته، روایت محمدبن فضیل را مستند شیخ قرار داده است، حال آنکه روایات بسیاری در این باره وجود دارد که صحت بعضی از آنها مسلم است.

در روایت محمدبن فضیل آمده است:

الحسین بن سعید عن محمد بن فضیل عن ابي الحسن الماضي عليه السلام قَالَ: طَلَاقُ الْأَمَةِ تَطْلِيقَتَانِ وَعِدَّتُهَا حَيْضَتَانِ وَإِنْ كَانَتْ قَدْ قَعَدَتْ عَنِ الْمَحِيضِ فَعِدَّتُهَا شَهْرٌ وَنِصْفٌ؛ امام کاظم عليه السلام فرمود: تعداد طلاق کنیز دو طلاق و عده او دو حیض است و اگر زنی است که حیض نمی‌بیند عده او یک ماه و نیم است.^۳

این روایت را «خبر» دانسته‌اند و حسنه یا صحیحه تعبیر نمی‌کنند؛ زیرا محمدبن فضیل مردد میان محمدبن قاسم بن فضیل بصری که توثیق شده^۴ و محمدبن فضیل کوفی که توثیق نشده است.

اردبیلی اصرار دارد محمدبن فضیل همان محمدبن قاسم بن فضیل بصری است که با این عنوان توثیق شده است و اینکه او را محمدبن فضیل می‌گویند، از باب انتساب به جد است، چنان که «علی بن بابویه» گفته می‌شود؛ ولی بین علی تا بابویه فاصله فراوان است. سپس می‌نویسد در بسیاری از موارد که محمدبن فضیل آمده، همین محمدبن قاسم بن فضیل است.

۱. علامه حلی، مختلف، ج ۷، ص ۲۴۱.

۲. طباطبایی حائری، ریاض، ج ۱۱، ص ۳۵۰.

۳. طوسی، استبصار، ج ۳، ص ۳۳۵.

۴. نجاشی، رجال نجاشی، ص ۳۶۲.

در ادامه نیز نشانه‌های فراوانی برای شناخت این دو نفر ذکر کرده است.^۱ به نظر می‌رسد محمدبن فضیل از باب انتساب به جد نیست و هرجا محمدبن فضیل آمده، غیر از محمدبن قاسم بن فضیل است، با این حال اشکالی در سند وجود ندارد؛ چرا که اجلا از محمدبن فضیل کوفی روایت کرده‌اند و روایت اجلا نشانه اعتماد به اوست. رمی وی به غلو نیز اشکالی ایجاد نمی‌کند؛ چون حجت نیست.^۲ افزون بر روایت محمدبن فضیل، صحیح‌ه محمدبن قیس، صحیح‌ه محمدبن مسلم، صحیح‌ه سلیمان بن خالد و صحیح‌ه زراره نیز عده کنیز را دو حیض بیان کرده‌اند.^۳ با ضمیمه کردن این روایات به فرمایش امام صادق علیه السلام در پاسخ پرسش زراره، استدلال کامل می‌شود. حضرت در این روایت، مدت عده متعه را به میزان مقدار عده کنیز دانسته است:

وعنه [محمدبن احمد] عن محمدبن الحسین عن ابن ابی عمیر عن عمر بن اذینه عن زرارۃ قال: سألت أبا جعفر ما عده المُنْعَة إذا مات عنها الذي تمع بها قال أربعة أشهر وعشراً قال ثم قال يا زرارۃ كلُّ النكاح إذا مات الزوج فعلى المرأة حرّة كانت أو أمة أو على أي وجه كان النكاح منه مُنْعَة أو تزويجاً أو ملك يمين فالعده أربعة أشهر وعشراً وعده المطلقه ثلاثة أشهر والأمة المطلقة عليها نصف ما على الحرّة وكذلك المُنْعَة عليها مثل ما على الأمة؛ زراره گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم مدت زمان عده زنی که به صورت متعه به عقد مردی درآمده است و شوهر او از دنیا رفته است، چقدر است. حضرت فرمود: چهار ماه و ده روز. سپس فرمود: ای زراره در تمام ازدواج‌ها وقتی شوهر از دنیا برود، بر زن لازم است که چهار ماه و ده روز عده نگه دارد و در این حکم فرقی نمی‌کند که زن آزاد باشد یا کنیز، ازدواج دائم باشد یا متعه یا اینکه رابطه آنها بر اساس مولی و کنیزی باشد. مدت زمان عده زن آزاد مطلقه سه ماه است و مدت زمان عده کنیز مطلقه، نصف

۱. محقق اردبیلی، جامع الرواة، ج ۲، ص ۱۷۴-۱۷۵.

۲. شهادت افراد به غلو پذیرفتنی نیست؛ زیرا از شرایط پذیرفتن شهادت این است که در موضوعاتی باشد که خطای شخص در آنها اندک است؛ اما نسبت دادن غلو به اشخاص از حدسیاتی است که خطا در آن فراوان است؛ زیرا اینکه غلو چیست و مرز آن کجاست، معرکه آراست و سخن بزرگان در مورد آن پریشان است؛ چه بسا گروهی سخنی را غلو بدانند و گروهی دیگر آن را عین دین به شمار آورد.

۳. به ترتیب: کلینی، کافی، ج ۶، ص ۱۶۹، ح ۱؛ همان، ص ۱۷۰، ح ۴؛ همان، ح ۲؛ همان، ص ۱۷۴، ح ۱.

مدت زمان عده زن آزاد مطلقه است و مدت زمان عده زن متعه شده نیز مانند مدت زمان عده کنیز مطلقه است.^۱

مورد این روایت زن ذات‌الشهور است؛ زیرا در فقره‌های پیشین، عده آزاد سه ماه و عده کنیز نصف آزاد، یعنی چهل و پنج روز بیان شده است و بیان مدت عده با معیار ماه بر این دلالت دارد که حضرت در مقام بیان مدت عده زن ذات‌الشهور است؛ ولی ذیل روایت که می‌فرماید «الْمُتَّعَةُ عَلَيْهَا مِثْلُ مَا عَلَى الْأُمَّةِ» مختص به ذات‌الشهور نیست، بدین معنا که تنزیل عمومیت دارد و بر این دلالت دارد که هر حکمی که کنیز دارد، بر زن متعه شده نیز جاری است و چون عده کنیز ذات‌الاقراء دو حیض است، عده زن ذات‌الاقراء نیز در عقد موقت دو حیض است.

اشکال: استدلال به روایات عده کنیز به ضمیمه صحیح زراره نادرست است؛ زیرا اولاً: حق آن است که عده کنیز دو طهر است و روایاتی که عده کنیز را دو حیض دانسته، باید بر جهاتی مانند تقیه حمل کرد؛ ثانیاً: تا زمان صاحب مدارک، صحت ملازمه را امری مسلم می‌دانستند؛ ولی همان‌گونه که ایشان فرموده است: «قرینه‌ای بر تعمیم ذیل وجود ندارد، بلکه به قرینه صدر، مراد از ذیل، زن ذات‌الشهور است»^۲. بسیاری از فقهای بعدی از جمله صاحب جواهر این اشکال را پذیرفته‌اند.^۳

ممکن است اشکالی به نظر برسد که حمل روایت بر ذات‌الشهور صحیح نیست؛ زیرا ذات‌الشهور فردی نادر است و حمل روایت بر فرد نادر صحیح نیست.

این اشکال قابل دفع است؛ زیرا حمل مطلق بر فرد نادر قبیح است؛ ولی بیان حکم فرد نادر قبیح نیست. آنچه از روایت با تأمل در صدر آن استفاده می‌شود، این است که حضرت در مقام بیان حکم زن ذات‌الشهور است؛ زیرا معیار برای مدت عده را ماه قرار داده است و ماه معیار عده زن ذات‌الشهور است. روایت پس از اینکه عده وفات را چهار ماه و ده روز ذکر می‌کند - که این عده بر اساس ماه است - در ادامه به حکم عده طلاق پرداخته است و با توجه به اینکه صدر روایت معیار را ماه قرار داده است معلوم می‌شود در مقام بیان عده طلاقی است

۱. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۱۵۷.
۲. عاملی، نهاية المرام، ج ۱، ص ۲۵۶.
۳. نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۹۶.

که باید بر اساس ماه محاسبه شود و ناگزیر فقط ناظر به ذات الشهور است، نه اینکه در مقام بیان حکم عده به طور کلی باشد تا گفته شود ذات الشهور فرد نادری است و حمل مطلق بر آن صحیح نیست.

۲. معتبره اسماعیل بن فضل هاشمی: دومین روایت از روایات اعتبار دو حیض، روایت اسماعیل بن فضل هاشمی است:

علي بن ابراهيم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن عمر بن اذينة عن اسماعيل بن الفضل الهاشمي قال: سألت أبا عبد الله ع عن المُنْتَعَةِ ... لَيْسَ فِيهَا وَقْتُ وَلَا عَدَدٌ إِنَّمَا هِيَ بِمَنْزِلَةِ الْإِمَاءِ يَتَزَوَّجُ مِنْهُنَّ كَمَا شَاءَ وَصَاحِبُ الْأَرْبَعِ نِسْوَةً يَتَزَوَّجُ مِنْهُنَّ مَا شَاءَ بِغَيْرِ وَلِيٍّ وَلَا شُهُودٍ فَإِذَا انْقَضَى الْأَجَلُ بَانَتْ مِنْهُ بِغَيْرِ طَلَاقٍ وَيُعْطِيهَا الشَّيْءَ الْيَسِيرَ وَعَدَّتْهَا حَيْضَتَانِ وَإِنْ كَانَتْ لَا تَحِيضُ فَخَمْسَةٌ وَأَرْبَعُونَ يَوْمًا؛ در ازدواج متعه، زمان و عددی وجود ندارد؛ زیرا به منزله رابطه کنیزی است. مرد می تواند با هر تعداد می خواهد متعه نماید. مردی که چهار زن دارد نیز می تواند با هر تعداد از آنها که بخواید ازدواج کند، بدون اینکه به اذن ولی و شاهد نیاز باشد. هرگاه که مدت زمان متعه به پایان رسید بدون طلاق از او جدا خواهد شد و چیز اندکی به او می دهد و مدت زمان عده او دو حیض است و اگر از کسانی است که حیض نمی بیند، مدت زمان عده او چهل و پنج روز است.^۱

نخستین کسی که به این روایت استدلال کرده، صاحب مدارک است^۲ و فقهای بعدی نیز آن را قبول کرده اند. روایت معتبر است، هر چند صحیح یا حسن بودن روایت به دلیل وجود ابراهیم بن هاشم در سند آن مورد بحث است، گرچه طبق تحقیق، صحیح است. اشکال: این روایت در کتاب نوادر این گونه نقل شده است: «وعدتها حیضةً ان كانت تحيض و ان كانت لا تحيض شهرًا»^۳ که «حیضتان» به «حیضةً» و «شهرٌ ونصف» به «شهر» تبدیل شده است. بنابراین نمی توان به این روایت استناد کرد؛ زیرا نقل «حیضتان» اثبات شده نیست، بلکه در برخی نقل های معتبر «حیضة» آمده است.

۳. صحیح ابو بصیر: در صحیح ابو بصیر نیز عده ازدواج موقت دو حیض بیان شده:

۱. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۴۵۱.
۲. خوانساری، جامع المدارک، ج ۴، ص ۳۱۲.
۳. اشعری قمی، نوادر، ص ۸۵.

در نسخه‌های معمول کتاب کافی «عدة المتعة» وجود ندارد. این عبارت در تهذیب طوسی آمده است. کافی این روایت را در آغاز بحث متعه ذکر کرده و فیض کاشانی نیز در وافی وقتی روایت فوق را از کافی نقل می‌کند، این عبارت در آن هست.^۱ در نسخه‌ای از کتاب کافی علامت (خ یب) وجود دارد که معلوم نیست مقصود این است که این عبارت در یکی از نسخه‌های کافی وجود دارد یا اینکه در تهذیب آمده است.

افزون بر این روایت در روایت اسماعیل بن فضل^۲ و مفضل بن عمر^۳ نیز عده متعه یک حیض بیان شده است.

دسته سوم: اعتبار یک حیض و یک طهر

حمیری در نامه‌ای از امام زمان عجل الله تعالی فرجه در مورد مدت عده عقد متعه پرسید و حضرت در پاسخ فرمود که باید یک حیض و یک طهر عده نگه دارد. متن نامه حمیری و پاسخ حضرت چنین است:

عن محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری کتب الی صاحب الزمان صلوات الله علیه سألته فیه عن مسائل: وَسَأَلَ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً بِشَيْءٍ مَعْلُومٍ إِلَى وَقْتٍ مَعْلُومٍ وَبَقِيَ لَهُ عَلَيْهَا وَقْتُ فِجْعَلِهَا فِي حِلٍّ مِمَّا بَقِيَ لَهُ عَلَيْهَا وَقَدْ كَانَتْ طَمِثَتْ قَبْلَ أَنْ يَجْعَلَهَا فِي حِلٍّ مِنْ أَيَّامِهَا بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ أَوْ يَجُوزُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا رَجُلٌ آخَرَ بِشَيْءٍ مَعْلُومٍ إِلَى وَقْتٍ مَعْلُومٍ عِنْدَ طَهْرِهَا مِنْ هَذِهِ الْحَيْضَةِ أَوْ يَسْتَقْبِلُ بِهَا حَيْضَةً أُخْرَى؟ فَأَجَابَ يَسْتَقْبِلُ حَيْضَةً غَيْرَ تِلْكَ الْحَيْضَةِ لِأَنَّ أَقْلَ تِلْكَ الْعِدَّةِ حَيْضَةٌ وَطَهْرَةٌ تَامَةٌ؛ عبدالله بن جعفر نامه‌ای به امام زمان می‌نویسد و از مسائلی سؤال می‌کند، از جمله در مورد مردی که در مقابل مقدار معلوم و زمان معلوم با زنی ازدواج می‌کند و در حالی که مقداری از زمان مشخص شده باقی مانده است، مقدار زمان باقی مانده را به زن می‌بخشد و این در حالی است که زن سه روز قبل از اینکه مرد ایام را به او ببخشد حائض شده است، آیا جایز است که مرد دیگری در زمان طهارت آن زن از همان حیض در مقابل مقدار معلوم و برای مدت معلومی ازدواج کند یا اینکه باید تا زمان حیض بعدی ازدواج را به تاخیر بیندازد؟ حضرت جواب دادند باید

۱. فیض کاشانی، وافی، ج ۲۳، ص ۱۲۳۸.

۲. طوسی، تهذیب، ج ۸، ص ۱۶۵، ح ۵۷۳؛ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۴۵۸، ح ۱.

۳. بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۲۶، ص ۸۲، ح ۴۱-۳۸۳۲۳؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۴۷۸، ح ۱۷۳۴۸.

تا حیض بعدی ازدواج را به تاخیر بیندازد؛ چراکه کمترین مقدار عده آن زن، یک حیض و طهارت کامل است.^۱

سند این حدیث در کتاب «غیبت» شیخ طوسی آمده^۲ و معتبر است. ظاهر روایت این است که مدت عده، یک حیض و یک طهر کامل است و در مورد روایت، چون حیض اول ناقص بوده، برای اینکه به عده معتبر برسد، لازم است حیض دوم را ببیند و هنگامی که حیض دوم به طور کامل تمام شد، عده او نیز تمام شده است.

دسته چهارم: اعتبار یک حیض و نصف

شیخ صدوق در مقنع روایت مرسلی را نقل کرده که ممکن است کسی به آن تمسک کند و عده ذات الاقراء را در عقد متعه، یک حیض و نصف بداند. متن روایت این گونه است:

وَإِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُهَا وَهُوَ حَيٌّ فَحَيْضَةٌ وَنِصْفٌ مِثْلُ مَا يَجِبُ عَلَى الْأَمَةِ؛ در عقد متعه زمانی که ایام آن به پایان رسید در حالی که آن مرد زنده است، مدت زمان عده یک حیض و نیم است، مثل همان مدت زمان عده‌ای که کنیز در ازدواج دائم لازم است نگه دارد.^۳

ظاهر روایت این است که مراد از «حیضة و نصف» همان گونه که مجلسی اول فرموده، یک ماه و نیم است که مربوط به زن ذات الشهور است.^۴

ماهیچوار

مدت عده در ازدواج موقت

دسته پنجم: اعتبار چهل و پنج روز

زراره در روایتی صحیح از امام صادق علیه السلام درباره مدت عده وفات در عقد موقت می‌پرسد و حضرت پس از پاسخ دادن به پرسش زراره، مدت برخی از عده‌ها را بیان می‌کند. حضرت در ضمن آنها مدت عده عقد موقت در صورتی که زوج زنده باشد را به اندازه عده کنیز بیان می‌کند. متن روایت این گونه است:

وعنه (محمد بن احمد) عن محمد بن الحسين عن ابن ابي عمير عن عمر بن اذينة عن زرارة قال: سألت أبا جعفر ما عده المتعة إذا مات عنها الذي تمع بها قال أربعة أشهر وعشراً

۱. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۸۹؛ بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۲۶، ص ۱۶۰، ح ۳۸۴۷۲-۱۹۰.
۲. طوسی، کتاب الغیبة، النص، ص ۳۷۴؛
۳. شیخ صدوق، مقنع، ص ۳۴۱؛ بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۲۶، ص ۱۳۶، ح ۳۸۴۲۸-۱۴۶.
۴. مجلسی اول، روضة المتقین، ج ۸، ص ۵۰۳.

قَالَ ثُمَّ قَالَ يَا زُرَّارَةُ كُلُّ النِّكَاحِ إِذَا مَاتَ الزَّوْجُ فَعَلَى الْمَرْأَةِ حُرَّةٌ كَانَتْ أَوْ أَمَةً أَوْ عَلَى أَيِّ وَجْهِ كَانَ النِّكَاحُ مِنْهُ مُتْعَةً أَوْ تَزْوِيجاً أَوْ مِلْكٌ يَمِينٍ فَالْعِدَّةُ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا وَعِدَّةُ الْمُطَلَّاقَةِ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَالْأَمَةُ الْمُطَلَّاقَةُ عَلَيْهَا نِصْفُ مَا عَلَى الْحُرَّةِ وَكَذَلِكَ الْمُتْعَةُ عَلَيْهَا مِثْلُ مَا عَلَى الْأَمَةِ؛ زرارہ نقل می‌کند که از امام باقر علیه السلام پرسیدم مدت زمان عده زنی که به صورت متعه به عقد مردی درآمده است و شوهر او از دنیا رفته است، چه مقدار است؟ حضرت فرمودند چهار ماه و ده روز. سپس فرمودند ای زرارہ در تمام ازدواج‌ها وقتی شوهر از دنیا برود، بر زن لازم است که چهار ماه و ده روز عده نگه دارد و در این حکم فرقی نمی‌کند که زن آزاد باشد یا کنیز، ازدواج دائم باشد یا متعه یا اینکه رابطه آنها بر اساس مولی و کنیزی باشد. مدت زمان عده زن آزاد مطلقه سه ماه است و مدت زمان عده کنیز مطلقه نصف مدت زمان عده زن آزاد مطلقه است. مدت زمان عده زن متعه شده نیز مانند مدت زمان عده کنیز مطلقه است.^۱

برخی ذیل روایت، یعنی جمله «كَذَلِكَ الْمُتْعَةُ عَلَيْهَا مِثْلُ مَا عَلَى الْأَمَةِ» را عام دانسته و این‌گونه معنا کرده‌اند که هر متعه‌ای - ذات الاقراء یا ذات الشهور - عده او به اندازه کنیز مطلقه است و چون در این روایت عده کنیز مطلقه چهل و پنج روز دانسته شده، پس عده ازدواج موقت نیز چهل و پنج روز است.

در روایتی دیگر فتوای ابوبصیر در مورد عده ازدواج موقت چهل و پنج روز بیان شده است: محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن محمد بن الحسین عن عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد عن عثمان بن عیسی عن سماعة عن ابي بصیر قال: لا بُدَّ مِنْ أَنْ تَقُولَ فِي هَذِهِ الشُّرُوطِ أَنْتَزَوَّجْتُكَ مُتْعَةً كَذَا وَكَذَا يَوْمًا بِكَذَا وَكَذَا دِرْهَمًا نِكَاحًا غَيْرَ سِفَاحٍ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ ص وَعَلَى أَنْ لَا تَرْتَبِي وَلَا أَرْتِكِ وَعَلَى أَنْ تَعْتَدِي خَمْسَةَ وَأَرْبَعِينَ يَوْمًا وَقَالَ بَعْضُهُمْ حَيْضَةً؛ ابوبصیر می‌گوید در عقد متعه لازم است بگویی تو را به ازدواج متعه خود درمی‌آورم در فلان مدت مشخص و در مقابل فلان مقدار درهم، آن هم ازدواجی که ازدواج سفاح نیست، بلکه ازدواجی است بنابر کتاب خداوند متعال و سنت پیامبر او و بنابر اینکه تو از اموال من سهمی از ارث نداشته باشی و من از اموال تو سهمی از ارث نداشته باشم و همچنین چهل و پنج روز عده نگهداری و بعضی از آنها هم گفته‌اند به اندازه یک حیض.^۲

۱. طوسی، تهذیب، ج ۸، ص ۱۵۷.

۲. بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۲۶، ص ۱۳۶، ح ۱۴۴-۳۸۴۲۶.

جمله «وَقَالَ بَعْضُهُمْ حَيْضَةٌ» یا از کلینی است و یا از راویان پیش از او و شاید مقصود از آن «بعض»، زراره باشد؛ چراکه فتوای او یک حیض است. دلیل حجیت فتوای ابوبصیر این است که فتوای کسی چون او طبعاً مطلبی عقلی و اجتهادی نیست، بلکه برگرفته از کلام معصوم علیه السلام است. افزون بر این دو روایت، در روایت **فقه الرضا** علیه السلام^۱، موثقه زراره،^۲ روایت زراره،^۳ روایت محمدبن مسلم و زراره،^۴ صحیحه محمدبن مسلم و ابوبصیر،^۵ صحیحه بزندی ^۶ و روایت صباح مدائنی^۷ عده ازدواج موقت چهل و پنج روز بیان شده است.

دسته ششم: چهل و پنج شب

محمدبن مسلم در یک روایت معتبر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که عده متعه چهل و پنج شب است.^۸ افزون بر این روایت، در معتبره عمر بن حنظله،^۹ مرسله مقنع،^{۱۰} روایت هشام بن سالم،^{۱۱} صحیحه محمدبن مسلم،^{۱۲} معتبره زراره،^{۱۳} موثقه محمدبن مسلم و زراره،^{۱۴} معتبره معلى بن خنيس^{۱۵} و معتبره بزندی،^{۱۶} عده متعه چهل و پنج شب بیان شده است. ممکن است به عنوان اشکال بر دسته پنجم و ششم گفته شود با توجه به روایاتی که عده

۱. همان، ص ۱۴۰، ح ۱۵۳-۳۸۴۳۵.
۲. همان، ص ۱۵۶، ح ۱۸۰-۳۸۴۶۲.
۳. شیخ صدوق، الفقیه، ج ۳، ص ۴۶۴.
۴. بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۲۶، ص ۱۵۶، ح ۱۸۲-۳۸۴۶۴.
۵. همان، ص ۱۵۶، ح ۱۸۳-۳۸۴۶۵.
۶. حمیری، قرب الإسناد، ج ۳، ص ۱۵۹.
۷. بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۲۶، ص ۱۷۴، ح ۲۱۶-۳۸۴۹۸ و ۱۹۰-۳۸۴۷۲.
۸. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲۵۹.
۹. اشعری قمی، نوادر، ص ۸۵.
۱۰. شیخ صدوق، المقنع، ص ۳۴۰.
۱۱. طوسی.
۱۲. همان، ص ۲۶۴.
۱۳. اشعری قمی، نوادر، ص ۸۳؛ بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۲۶، ص ۱۵۶.
۱۴. بروجردی، جامع احادیث الشیعه ج ۲۶، ص ۱۵۶؛ اشعری قمی، النوادر، ص ۸۳.
۱۵. اشعری قمی، النوادر، ص ۸۴.
۱۶. بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۲۶، ص ۱۵۶، کلینی، کافی، ج ۵، ص ۴۵۸.

زن ذات‌الشهور را چهل و پنج روز می‌داند، مراد از این دو دسته روایت، زن ذات‌الشهور باشد. پاسخ این است که نمی‌توان این روایات فراوان را بر فرد نادر، یعنی زن ذات‌الشهور حمل کرد.

دسته هفتم: اعتبار دو طهر

زراره در روایتی صحیح عده کنیز را دو طهر نقل نموده و در روایت صحیح دیگری مقدار عده متعه را به اندازه عده کنیز نقل کرده است که از ضمیمه این دو روایت فهمیده می‌شود عده ازدواج موقت دو طهر است. صحیح‌ه اول ملزوم، یعنی اعتبار دو طهر در عده کنیز را اثبات می‌کند و صحیح‌ه دوم ملازمه را اثبات می‌کند که هر حکمی که کنیز دارد، متعه نیز آن حکم را دارد. در نهایت ملزوم، یعنی دو طهر بودن عده کنیز اثبات می‌شود.

علي بن ابراهيم عن أبيه عن ابن ابي عمير عن عمر بن أذينة عن زرارة عن ابي جعفر عليه السلام قال: سألتُهُ عَنْ حُرِّ تَحْتَهُ أَمَةٌ أَوْ عَبْدٍ تَحْتَهُ حُرَّةٌ كَمْ طَلَاقُهَا وَكَمْ عِدَّتُهَا فَقَالَ السُّنَّةُ فِي النِّسَاءِ فِي الطَّلَاقِ فَإِنْ كَانَتْ حُرَّةً فَطَلَاقُهَا ثَلَاثٌ وَعِدَّتُهَا ثَلَاثَةٌ أَقْرَاءٍ وَإِنْ كَانَ حُرًّا تَحْتَهُ أَمَةٌ فَطَلَاقُهَا تَطْلِيقَتَانِ وَعِدَّتُهَا قُرْءَانٍ؛ زراره نقل می‌کند که از امام باقر عليه السلام در مورد مرد حری که با کنیزی ازدواج کرده و همچنین عبدی که با زن حری ازدواج کرده است، در مورد تعداد طلاق و مدت زمان عده نگه‌داشتن آن زن سؤال پرسیدم، حضرت فرمودند سنت در زنان در طلاق این است که اگر زن آزاد باشد تعداد طلاق او سه بار است و عده او سه طهارت و اگر کنیزی است که با مرد آزادی ازدواج کرده است تعداد طلاق او دو بار و عده او دو طهارت است.^۱

از روایت دیگر زراره^۲ که پیش‌تر برای اثبات ملازمه در راستای اثبات دو حیض بهره گرفته شد، در این قسمت نیز اثبات ملازمه می‌شود.

راهکارهای حل اختلاف روایت‌ها

در مواجهه با این اختلاف گسترده میان روایات راهکارهایی وجود دارد که نقد و بررسی آنها لازم است.

۱. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۱۶۷.

۲. طوسی، تهذیب‌الأحكام، ج ۸، ص ۱۵۷.

۱. حمل بر اعتبار دو حیض و کفایت ورود به حیض دوم

صاحب جواهر^۱ معتقد است عده ازدواج موقت دو حیض است؛ ولی برای اینکه عده زن به پایان برسد، لازم نیست حیض دوم کامل شود، همین که داخل حیض دوم شود، برای خروج از عده کافی است. صاحب جواهر دیدگاه خود را مقتضای جمع بین روایات می‌داند، به این بیان که روایاتی که يك حیض را معتبر دانسته است، نسبت به بیش از یک حیض مطلق است و باید بر روایات مقید حمل شود. پس این دسته از روایات به واسطه آن روایاتی که افزون بر يك حیض، يك طهر را نیز معتبر دانسته است، یعنی روایت حمیری از حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه، تقیید می‌شود. وقتی يك طهر کامل افزوده شد، پایان يك طهر به دخول در حیض دوم است و با توجه به روایتی که مقدار عده را يك حیض و نیم بیان کرده، معلوم می‌شود که پایان حیض دوم معتبر نیست؛ بلکه مراد از نصف «قطعة من الحيض» است.

اشکال: این جمع عرفی نیست؛ زیرا نمی‌توان روایاتی را که در مقام تحدید مقدار عده وارد شده است، نسبت به بیش از آن مطلق و به واسطه روایات دیگر تقیید نمود. مانند آن که روایتی که معیار در صدق عنوان مسافر را چهار فرسخ می‌داند، با روایتی که معیار را مثلاً بیست فرسخ بیان کرده، تقیید زده و گفته شود روایت چهار فرسخ نسبت به شانزده فرسخ بیشتر، مطلق و لایشرط است. این شیوه جمع - با توجه به اینکه روایات در مقام تحدید هستند - بسیار مستبعد و غیرعرفی است. در این‌گونه موارد اگر وجه جمعی وجود نداشته باشد، باید با آنها همچون روایات متعارض رفتار نمود و به مرجحات باب تعارض مراجعه کرد.

۲. حمل بر اختلاف مراتب فضیلت

حق آن است که میان روایات - همان‌گونه که صاحب مدارك^۲ و برخی دیگر از فقها گفته‌اند - جمع عرفی وجود دارد، به اینکه مقدار بیش از يك حیض را از باب افضل مراتب واجب دانسته و عدم وجوب آن، رخصت و به جهت مزاحمت با مفسده الزام یا مصلحت در ترخیص باشد. توضیح مطلب آن‌که: در مواردی دیده می‌شود که فقها می‌گویند فلان عمل رخصتاً جایز است. معنای این سخن آن است که اگرچه از لحاظ مقام اقتضا و ملاك، آن عمل اقتضای

۱. نجفی، جواهرالکلام، ج ۳۰، ص ۱۹۹.

۲. عاملی، نهایت‌المرام، ج ۱، ص ۲۵۸.

وجوب و الزام را دارد؛ ولی شارع به ملاحظه اینکه الزام موجب حرج است یا به ملاحظه کسر و انکسار مصالح، مصلحت نهایی را در ترخیص دانسته است. با این حال از نظر مقام اقتضا و ملاک، عمل مقتضی الزام و وجوب است، بر خلاف مواردی که عمل از ابتدا و در مقام ملاک نیز واجد ملاک الزامی نبوده و جایز است.

مانند این بیان در کتاب الحج نیز مطرح است. در برخی روایات آمده مستحب است شخصی که محرم می‌شود، در ضمن احرام خود شرط کند اگر کاری ضروری برای او پیش آمد، از احرام خارج شود.^۱ در میان فقها بحث است که این شرط چه اثر و فایده‌ای دارد؟ با اینکه اگر شرطی هم نشده باشد، در فرض پیش‌آمد کاری ضروری، شخص از احرام خارج می‌شود.

فخرالمحققین وجهی دقیق و عقلی بیان کرده و گفته فایده شرط این است که خروج از احرام را مباح بالاصل می‌کند، نه مباح عرضی.^۲

برخی به فخرالمحققین ایراد گرفته‌اند که این ثمره محصلی ندارد؛^۳ ولی حق آن است که سخن فخرالمحققین تمام و صحیح است و مراد او از مباح بالاصل این است که اگر شرط خروج از احرام و محل شدن شده باشد، دیگر اقتضا و ملاک و مصلحت احرام نیز باقی نمی‌ماند؛ اما اگر بدون شرط و عرضاً از احرام خارج شود، این خروج رخصت است و ملاک و مصلحت احرام را داشته و موجب فوت آن شده است.

توضیح بیشتر اینکه: گاهی نفس الزام موجب پدید آمدن مشقت و حرج می‌شود، مانند فردی که دچار وسواس است و نمی‌تواند نمازهای واجب را به‌آسانی بخواند و گفتن تکبیرة الاحرام برای او دشوار است؛ ولی نمازهای مستحب را به‌آسانی انجام می‌دهد و فشاری بر خود نمی‌بیند.

در روایت «لَوْ لَا أَنْ أَشَقَّ عَلَيَّ أُمَّتِي لَأَمَرْتُهُمْ بِالسَّوَاكِ»^۴ نیز صرف الزام شارع به مسواک کردن، موجب مشقت است، وگرنه خود متعلق، یعنی مسواک زدن حرجی نیست. همین مقوله در روایات عده نیز جریان دارد. مقتضای جمع روایات این است که گفته شود

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص: ۳۵۶

۲. فخر المحققین، ایضاح الفوائد، ج ۱، ص: ۲۹۲

۳. موسوی عاملی، مدارک، ج ۷، ص: ۲۹۰

۴. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲۲، ح ۱.

اگر زنی بخواهد مطلوب اولی و ملاک اولی شرع را احراز کند، باید بیش از یک حیض را مراعات نماید؛ ولی چون شارع رخصتاً به یک حیض بسنده کرده، یک حیض نیز کافی است. فقها در موارد گوناگونی از جمله باب حیض و روایات استظهار^۱ و منزوحات بئر^۲ به این وجه جمع؛ یعنی حمل بر مراتب فضیلت ملتزم شده‌اند.

اشکال: در روایت منقول از حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه اقل مقدار عده، یک حیض و یک طهر بیان شده است و واژه «اقل» بر کفایت نکردن کمتر از یک حیض و یک طهر نصوصیت دارد. پاسخ: با توجه به وجود روایات فراوان مخالف با مدلول روایت یادشده، می‌توان گفت کمترین مرحله اقتضا، یک حیض و یک طهر کامل است؛ ولی شارع از باب رخصت، به یک حیض بسنده کرده است، از این رو روایت یادشده نصوصیتی در دلالت بر ناکافی بودن کمتر از یک حیض و یک طهر ندارد.

۳. تقدیم روایات چهل و پنج روز در تعارض روایات

اگر امکان جمع عرفی میان روایات گوناگون مسأله وجود نداشته و قرار بر ترجیح باشد، باید به تقدیم روایات چهل و پنج روز حکم نمود؛ زیرا اطمینانی که به صدور روایات چهل و پنج روز وجود دارد، در روایات دیگر وجود ندارد.

شیوه جمع میان روایات چهل و پنج روز و چهل و پنج شب این است که باید معیار را چهل و پنج قرار داد و هر یک از چهل و پنج روز یا چهل و پنج شب کفایت می‌کند. سبب اختلاف تعبیر در روایات این است که گاهی نزدیک شب است، به شب تعبیر می‌شود و گاهی اوایل روز است، به روز تعبیر می‌شود. بله، احتیاط این است که شبانه‌روز را با هم حساب کند، اگرچه رعایت این احتیاط لزومی ندارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

خاستگاه اختلاف دیدگاه‌ها در تعیین مدت عده زن ذات‌الاقراء در ازدواج موقت، اختلاف روایات و اختلاف در کیفیت جمع عرفی بین آنهاست. در این مسأله پنج دیدگاه و هفت دسته روایت وجود دارد که غیر از دسته چهارم همه معتبر هستند. به نظر می‌رسد جمع عرفی میان

۱. بحرانی، الحقائق، ج ۳، ص: ۲۱۹

۲. محقق حلی، المعتبر، ج ۱، ص: ۷۳

این روایات، این است که عده نگه‌داشتن به اندازه یک حیض واجب است و افزون بر یک حیض، از باب افضل مراتب واجب است. شواهدی بر این شیوه جمع وجود دارد، چنانکه فقها در موارد گوناگونی از جمله باب حیض و روایات استظهار و منزوحات بتر به این وجه جمع ملتزم شده‌اند.

منابع و مأخذ

۱. ابن‌ابی‌عقیل، حسن بن علی بن ابی‌عقیل حذاء عمانی، حیاة ابن‌ابی‌عقیل وفقهه، قم: مرکز المعجم الفقهي، چ ۱، ۱۴۱۳ق.
۲. ابن‌ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۲، ۱۴۱۰ق.
۳. ابن‌زهره حلبی، حمزة بن علی حسینی، غنیة النزوع إلى علمی الأصول والفروع، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ ۱، ۱۴۱۷ق.
۴. ابوصلاح حلبی، تقی‌الدین بن نجم‌الدین، الکافی فی الفقه، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام، چ ۱، ۱۴۰۳ق.
۵. اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة وازاحة الاشتباهات عن الطرق والأسناد، بیروت: دار الاضواء، چ ۱، ۱۴۰۳ق.
۶. اشعری قمی، احمد بن محمد بن عیسی، النوادر، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، چ ۱، ۱۴۰۸ق.
۷. اصفهانی، مجلسی اول، محمد تقی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشان‌پور، چ ۲، ۱۴۰۶ق.
۸. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، چ ۱، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۵ق.
۹. بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعه، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، چ ۱، ۱۴۲۹ق.
۱۰. جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دایرة‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت علیهم السلام، چ ۱، ۱۴۲۶ق.
۱۱. حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل‌البیت، چ ۱، ۱۴۰۹ق.

مجموعه
پژوهش‌های فقهی

سال دوم، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۷

۱۲. حلّی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چ ۱، ۱۳۸۷ق.
۱۳. حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، المعتبر فی شرح المختصر، قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، چ ۱، ۱۴۰۷ق.
۱۴. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد (ط- القدیمة)، تهران: کتاب فروشی نینوا، چ ۱، [بی تا].
۱۵. خوانساری، سیداحمد بن یوسف، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چ ۲، ۱۴۰۵ق.
۱۶. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، المقنع، (ج، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام، چ ۱، ۱۴۱۵ق.
۱۷. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، الهدایة فی الأصول والفروع، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام، چ ۱، ۱۴۱۸ق.
۱۸. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، کتاب من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۲، ۱۴۱۳ق.
۱۹. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چ ۱، ۱۴۱۳ق.
۲۰. طباطبایی حائری، سید علی بن محمد، ریاض المسائل (ط- الحدیثة)، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چ ۱، ۱۴۱۸ق.
۲۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد: نشر مرتضی، چ ۱، ۱۴۰۳ق.
۲۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، دارالکتب الإسلامية: تهران، چ ۱، ۱۳۹۰ق.
۲۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تهران: دارالکتب الإسلامية، چ ۴، ۱۴۰۷ق.
۲۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه والفتاوی، بیروت: دارالکتب العربی، چ ۲، ۱۴۰۰ق.
۲۵. عاملی، محمد بن علی موسوی، نهایة المرام فی شرح مختصر شرائع الإسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۱، ۱۴۱۱ق.
۲۶. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، ۹ ج، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۲، ۱۴۱۳ق.

۲۷. علی بن موسیٰ علیه السلام (منسوب)، فقه الرضا علیه السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چ ۱، ۱۴۰۶ق.
۲۸. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب یوسفی، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۳، ۱۴۱۷ق.
۲۹. فاضل هندی، محمد بن حسن اصفهانی، کشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام، گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۶ق.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، محقق و مصحح: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: نشر هجرت، چ ۲، ۱۴۱۰ق.
۳۱. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، چ ۱، ۱۴۰۶ق.
۳۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: [بی نا]، چ ۳، ۱۴۰۴ق.
۳۳. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية، چ ۱، ۱۴۱۹ق.
۳۴. اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، سیدهاشم رسولی، قم: دارالکتب الإسلامية، چ ۲، ۱۴۰۴ق.
۳۵. محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چ ۱، ۱۴۰۸ق.
۳۶. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چ ۲، ۱۴۰۸ق.
۳۷. محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن، کفایة الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۱، ۱۴۲۳ق.
۳۸. نجاشی، ابوالحسن احمد بن علی، رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشيعة، سید موسی شیبیری زنجانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۳۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چ ۲، ۱۴۱۴ق.